

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بسمه تعالی

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

واحدی خود را با عنوان: تحولات اندیشه‌های زیست
اسی از علامه می‌آشتیانی

رساله
ارائه کردند.

کلمه آقای مهر کاظمی
در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۰

اعضای هیات داوران نسخه نهایی این رساله را از نظر فرم و محتوا تایید کرده است و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه دکتری پیشنهاد می‌کنند.

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنمای اصلی	دکتر سید محمد کاظمی	استادیار	
۲- استاد راهنمای دوم			
۳- استاد مشاور اول	دکتر مهناز آشتیانی	استاد	
۴- استاد مشاور دوم	دکتر حسین یوسفی	دانشیار	
۵- استاد ناظر	دکتر شهرت مستمل	استاد	
۶- استاد ناظر	دکتر حمید ملاووسی	استاد	
۷- استاد ناظر	دکتر جان احمدی	دانشیار	
۸- استاد ناظر	دکتر رازمان	استادیار	
۹- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی	دکتر حمید ملاووسی	استاد	

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عنوان پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸/۴/۸۷ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۲۳/۴/۸۷ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۱۵/۷/۸۷ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب..... دانشجوی رشته..... نام..... ورودی سال تحصیلی.....»
مقطع..... دانشکده..... متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین نامه فوق الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضاء:.....
تاریخ:.....

۱۳۸۹/۱۲/۱۴

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته تاریخ اسلام است که در سال ۱۳۸۹ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر سید هاشم آقاچری، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر صادق آئینه وند و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر حسین مفتخری از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد. ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب محمد کاظم رحمتی دانشجوی رشته تاریخ / تاریخ اسلام مقطع

دکتری تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: محمد کاظم رحمتی

تاریخ و امضا:

۱۳۸۹/۱۲/۱۳



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی
رساله دکتری تاریخ (گرایش اسلام)

تحولات اندیشه سیاسی در فقه امامی از علامه حلی تا شهید ثانی

استاد راهنما:

دکتر سید هاشم آقاجری

استادان مشاور:

دکتر صادق آئینه‌وند و دکتر حسین مفتخری

محمد کاظم رحمتی

اسفند ۱۳۸۹

تقدیم به مادر و همسر

و

بی شک انجام و به پایان رساندن این رساله بدون راهنمایی و مشاوره استادان بزرگواری که زحمت راهنمایی و مشاوره آن را برعهده گرفتند، میسر نبوده است. استاد بزرگوار جناب آقای دکتر سید هاشم آقاجری از سر لطف راهنمایی بنده را برعهده گرفتند و دو استاد ارجمند دیگر جناب آقای دکتر صادق آئینه وند و جناب آقای دکتر حسین مفتخری مشاوره آن را پذیرفتند. جای آن دارد تا از همه این عزیزان سپاس ویژه خود را بیان کنم. کتابخانه بنیاد دائرة المعارف اسلامی محیطی آرام و دلپذیر برای بنده در تمام مدت تحقیق فراهم کرد که جای آن دارد تا سپاس ویژه خود را از آن مرکز علمی و معاون محترم آنجا، **حجت الاسلام و المسلمین حسن طارمی** بیان کنم. دوست بزرگواریم محمد تقی کرمی در سراسر تحقیق در گشودن برخی ابهامات و نشان دادن برخی سرنخ های کلیدی کمک های فراوانی نمود. دوست عزیزم **دکتر کیومرث قرقلو** علاوه بر فراهم کردن برخی منابع و مقالات، در ترجمه فارسی برخی مطالب نیز کمک فراوانی به بنده نمود. از همه این دوستان سپاس فراوانی دارم. استاد ارجمند **حجت الاسلام و المسلمین رسول جعفریان**، امکان استفاده بی هیچ محدودیتی از گنجینه نسخه های خطی کتابخانه مجلس را برایم فراهم کرد که وامدار لطف ایشان هستم. **حجت السلام و المسلمین رضا مختاری** نیز در دستیابی بنده به برخی نسخه ها و فهم برخی مطالب و رفع برخی ابهام ها کمک فراوانی نمودند. انجام و نگارش این رساله وامدار لطف همه دوستان بوده است که نگارنده را رهین لطف و کرم خود کرده اند.

چکیده:

تحولات فقه سیاسی شیعه، ارتباط مستقیمی با تغییرات اوضاع اجتماعی جوامع شیعه دارد به نحوی که می توان آن را منعکس کننده خصوصیات یک عصر تاریخی دانست. با شروع عصر غیبت کبری، دوران جدیدی برای جامعه شیعیان امامیه آغاز شد که طی آن، مفهوم جدیدی از مرجعیت دینی در میان شیعیان امامی مذهب که پیشتر تنها مرجع دینی آنها در مسایل فقهی شخص امام و تعالیم او بود، شکل گرفت. در این دوره نظام مرجعیت به شکل مفتی و مستفتی است و با مفهوم مرجعیت پس از خود (یعنی دوران معاصر) که به صورت تقلید و مقلد است، تمایز دارد. عصر ما بین دوره شیخ طوسی تا دوران معاصر را می توان دوره ای خاص برشمرد و بر اساس برخی دلایل، می باید آن را دوران گذار نامید. بررسی تحولات رخ داده در دوران گذار که از مقطع حسن بن یوسف حلی (متوفی ۷۲۶) تا شهید ثانی (متوفی ۹۶۵) از آن در نوشتار حاضر مورد بررسی قرار می گیرد، در حقیقت مقطعی است که برخی از تغییرات مهم و تأثیر گذار در نظام مرجعیت شیعه رخ داده است. در این میان، نقش حسن بن یوسف حلی بسیار چشمگیر است.

کلمات کلیدی: حسن بن یوسف حلی، شهید اول، محقق کرکی، شهید ثانی، مرجعیت.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول : مقدمه و کلیات طرح تحقیق
۲
۳	۱-۱ بیان مسأله.....
۴	۲-۱ سؤالات.....
۴	۳-۱ فرضیه ها.....
۸	۴-۱ نقد و بررسی منابع.....
۸	۵-۱ الف: منابع فقهی.....
۱۴	۶-۱ ب: منابع و تواریخ مملوکی.....
۱۸	۷-۱ ج: اجازات و کتاب های زندگی نامه نویسی.....
۲۴	۸-۱ د: منابع تاریخ نگارانه صفوی.....
۳۰	۹-۱ پیشینه تحقیق.....
۳۵	۱۰-۱ اهداف تحقیق.....
۳۶	۱۱-۱ روش تحقیق.....

فصل دوم: شکل گیری فقه شیعه و تحولات آن

۳۸	۲-۱ شکل گیری و روند تحولات فقه امامیه.....
۴۵	۲-۲ پیشینه تاریخی مباحث خمس و زکات در سنت شیعه.....
۴۷	۳-۲ دیدگاه های عالمان شیعه در خصوص تصرف در خمس و زکات تا پیش از شهید اول.....
۵۲	۴-۲ علامه حلی و نقش وی در تغییرات نظام مرجعیت.....

۵۳.....۵-۲ شکل گیری و تحول نظام مرجعیت در شیعه

فصل سوم: شهید اول و نقش وی در تحول فقه سیاسی شیعه

۵۸.....۳-۱ زندگی و زمانه شهید اول

۵۸.....۳-۲ تحولات سیاسی روزگار شهید اول

۶۱.....۳-۳ شهید اول: حیات علمی

۷۱.....۳-۴ کنش های سیاسی شهید اول

۷۴.....۳-۵ نایب الامام و تحول در معنی آن

۷۶.....۳-۶ گزارش های متداول درباره شهادت شهید اول

۸۰.....۳-۷ گزارشی تازه درباره علل شهادت شهید اول

۸۲.....۳-۸ علل احتمالی شهادت شهید اول

فصل چهارم: جبل عامل در دوره میان حیات شهیدین : دوران گذار و انتقال

۸۸.....۴-۱ شکل گیری و تکوین حوزه جبل عامل

۸۹.....۴-۲ حیات علمی در جبل عامل پیش از شهید اول

۹۰.....۴-۳ الف: جمال الدین بخاری

۹۱.....۴-۴ ب: طومان بن احمد مناری

۹۲.....۴-۵ حوزه جزین: میراث حله در انتقال و تکامل

۹۴.....۴-۶ حیات علمی در جبل عامل پس از شهادت شهید اول: حوزه عینا

۱۰۲.....۴-۷ حوزه کرک نوح

۱۰۶.....۴-۸ سادات بنو اعرج و نقش آنها در تحول حوزه کرک نوح

۱۰۸.....۴-۹ حوزه میس

۱۱۱.....۴-۱۰ حوزه مشغره

۱۱۴.....۴-۱۱ حوزه جباع

فصل پنجم: مرجعیت و کنش سیاسی: تأثیر تشکیل دولت صفویه در تحول نهاد مرجعیت

- ۱-۵ شکل گیری دولت صفویه و پیامدهای آن در تحول نظام مرجعیت و فقه سیاسی امامیه..... ۱۲۰
- ۲-۵ تلاش شاه اسماعیل برای ایجاد نهاد دینی وابسته به قدرت..... ۱۲۲
- ۳-۵ محقق کرکی، پیوند گر مرجعیت و سیاست..... ۱۲۶
- ۴-۵ محقق کرکی و تلاش های وی در ایجاد ساختار نظامند مرجعیت..... ۱۳۰
- ۵-۵ تحول گفتمان مراکز ایران از نگاه فلسفی به فقهی و اهمیت ۱۴۲
- ۶-۵ شهید ثانی و مرجعیت مستقل از قدرت..... ۱۴۹
- ۷-۵ سفر شهید ثانی به دمشق و دیگر مراکز علمی عصر..... ۱۵۱
- ۸-۵ سفر به استانبول..... ۱۵۷
- ۹-۵ شهید ثانی و تدریس در مدرسه نوریه ۱۶۱
- ۱۰-۵ شهید ثانی و جایگاه وی به عنوان مرجع دینی..... ۱۶۵
- ۱۱-۵ شهید ثانی و رساله او درباره نماز جمعه..... ۱۶۹
- ۱۲-۵ لایه های پنهان شده در رساله نماز جمعه شهید ثانی..... ۱۷۲
- ۱۳-۵ گزارش های متداول درباره شهادت شهید ثانی..... ۱۸۰
- ۱۴-۵ شاهدان عینی شهادت شهید ثانی..... ۱۸۶
- ۱۵-۵ گزارش لاهیجانی درباره شهادت شهید ثانی..... ۱۸۸
- ۱۶-۵ تفکر اجتهادی شهید ثانی و تداول آن در ایران..... ۱۹۲

نتیجه گیری

کتابشناسی

- الف: منابع خطی..... ۲۰۷
- ب: منابع فارسی ۲۰۷

منابع عربی..... ۲۱۲

ج: منابع به زبان های اروپائی..... ۲۲۲

چکیده انگلیسی a

فصل اول:
مقدمه و کلیات طرح تحقیق

۱-۱ بیان مسأله

تحولات سیاسی رخ داده در فقه امامیه، ارتباط مستقیمی با تغییرات جامعه امامیه دارد. به جز دوره ای بسیار کوتاه که امام علی علیه السلام عهده دار اداره جامعه اسلامی شده بودند (سالهای ۳۵-۴۰)، و دوران بسیار کوتاه حکومت امام حسن علیه السلام، در دیگر ادوار تاریخی به جز برخی حکومت های محلی، می توان شیعه دوازده امامی را اقلیتی فاقد حکومت در جهان اسلام دانست. این مسأله در سال ۹۰۷ که حکومت صفویه و با هدف ترویج تشیع در ایران تشکیل شد، چالشی در فقه سیاسی شیعه پدید آورد و البته پاسخ هایی نیز برای حل بحران ایجاد شده، بدان داده شد. از این رو برای بررسی تغییرات فقه سیاسی امامیه می توان، تحولات رخ داده در نظام مرجعیت و نظم یابی ساخت مرجعیت را به عنوان بخش اصلی در تحولات فقه سیاسی امامیه مورد بررسی قرار داد، که مراد اصلی و هدف رساله حاضر نیز در حقیقت همین موضوع است و فقه سیاسی را با محوریت تحولات نظام مرجعیت شیعه در دوره مورد بحث دنبال می کند.

تاریخ جامعه امامیه را می توان به شکلی کلی و بر اساس روابط میان نخبگان دینی (عالمان) و دیگر اقشار، در دوران پس از غیبت کبری به سه دوران مفتی و مستفتی (تقریباً منطبق با دوران شیخ طوسی)، دوران گذار (دوره مورد مطالعه این رساله) و دوران تقلید و مقلد (دوران معاصر) تقسیم کرد که گرچه در بسیاری از ویژگی ها با یکدیگر تطابق دارند اما از برخی جهات تغییراتی در هر یک از این دورانه ها می توان مشاهده کرد. در دوره حضور ائمه، مرجعیت بی چون و چرای امامان به عنوان تنها مرجع تفسیر دین، امری مورد پذیرش عام جامعه امامیه بود، هر چند اختلافات جدی درباره ماهیت دانش و علم امام در میان شیعیان وجود داشت، اما در خصوص پذیرش مرجعیت ائمه

به عنوان تنها مفسران شایسته و مرجع نهایی تفسیر دین، امری مورد اجماع بود.^۱ با آغاز دوران غیبت صغری در ۲۶۰ و پایان یافتن آن در ۳۲۹، جامعه امامیه با مشکلی جدید روبرو شد و آن عدم دسترسی مستقیم به امام بود و این باعث ایجاد نوعی خلاء در ساختار اقتدار دینی به معنی عدم حضور عینی امام و یا نمایندگان منصوب خاص او بود. امام با مرجعیت تام خود، عهده دار شئون مختلف جامعه امامیه بود هر چند اقتدار سیاسی امام به دلیل آنکه قدرت عملی در دست حکومت های وقت بود، چندان گسترده نبود و محدود به پذیرش ایمانی جامعه امامیه بود، اما همین مرجعیت علمی با ورود به دوران غیبت کبری، در میان شیعیان به صورت ظاهر بلا تکلیف جلوه می کرد و از آنجا که برخی از ابواب فقه (همچون، نماز جمعه، خمس، زکات، جهاد و قضاوت که صورت بارزتری از شئون سیاسی را دارند) عملاً به نوعی اقتدار سیاسی نیاز داشت، خلاء جدیدی در ساخت فکری اندیشه سیاسی فقهی امامیه پدید آورد.

نکته جالب توجه تعبیر «السلطان»، «السلطان العادل» یا «الامام الاصل» برای امام در سنت حدیثی و فقهی امامیه در این عصر است که در دوره گذار، این اصطلاح در روندی تدریجی و با جعل اصطلاح جدید «نائب الامام» و تطبیق آن بر فقیه، معنی تازه در فقه شیعه می یابد و بخشی از اقتدار تعریف شده که برای سلطان عادل / امام معصوم در فقه شیعه ارایه شده، به آرامی به عنوان وظایفی محول شده به فقیه تعبیر می گردد.

می توان این پرسش را مطرح کرد که چه تحولاتی رخ داده یا چه ویژگی های پدید آمده تا ساختار بسیط اولیه نظام مفتی و مستفتی که صورتی غیر متمرکز داشت به ساختار منسجم و متمرکز تبدیل شده و برای یافتن پاسخ این پرسش توجه ویژه به دوران گذار، به دلیل آنکه حلقه اتصال سنت کهن به سنت جدید را در ساختار مرجعیت تشکیل می دهد، اهمیت فراوانی دارد.

ظاهراً مهم ترین تحول در فقه شیعه و به عنوان پیامد طبیعی آن تحول در ساختار فقه سیاسی دینی در ایران عصر صفوی، مبنا قرار گرفتن فقه شیعه به عنوان فقه حکومتی باشد. نمی توان انکار کرد که مبنا قرار گرفتن فقه شیعه به عنوان فقه حکومتی باعث شد تا در برخی موارد، فقیهان شیعه

۱- برای بحث از این مطالب بنگرید به: سید حسین مدرسی طباطبائی، مکتب در فرایند تکامل: نظری بر تطور مبانی

فکری تشیع در سه قرن نخستین، ترجمه هاشم ایزد پناه (تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۶ش)، سراسر کتاب.

درباره برخی مسایل فقهی مثل خراج یا نماز جمعه به گونه ای تفصیلی تر از پیش بیندیشند اما آیا تحولات در فقه شیعه در این دوره ارتباطی با پذیرش تشیع از سوی صفویه و یا اساساً مبنای عمل حکومت قرار گرفتن فقه شیعه توسط صفویه دارد؟

به دیگر سخن امکان عملی یافتن نظام مرجعیت از طریق پشتوانه قدرت سیاسی تحول اصلی در این دوره است. تغییر و تحول اصلی در شکل گیری نظام فتوا و تحول در مفهوم فتوی و کارکرد عینی و ملموس یافتن آن در جامعه شیعه در سطحی وسیع است و اهمیت محقق کرکی نیز از این جهت است که به عنوان فقیهی شیعی، زعامت دینی جامعه شیعه را به دست گرفته و با تربیت شاگردان فراوان و نهادینه کردن نظام فتوی، تحول مهمی در نظام مرجعیت در جامعه شیعه پدید آورد. درست است که پیش از محقق کرکی نیز فقیهان شیعه متصدی امر فتوی بوده اند اما این فتواها تنها ضامن اجرای آنها ایمان مؤمنانه شیعیان به آنها بود و فقیهان شیعه به عنوان بخشی از نظام سیاسی حاکم عمل نمی کردند. اما همین مسأله یعنی کارکرد جدید یافتن فتوی و بسط آن در شکل جدید و همراه شدن آن با قدرت سیاسی تحول بسیار مهمی در فقه سیاسی شیعه باید به حساب آید. حتی ساختار فتواهایی که محقق کرکی داده، به وضوح آمیخته شدن با ساخت قدرت را نشان می دهد. رواج و تداول تعبیر «خاتم المجتهدین» در این دوران نشان روشنی است از شکل گیری نوعی مرجعیت عام در جامعه گسترده شیعی تحت حاکمیت یک نظام سیاسی و از سوی دیگر ضامن اجرایی یافتن فتاوی فقیهان است.^۱

مسأله مهم در تحول فقه شیعه، تغییرات پدید آمده و نقش آنها در اقتدار بخشی به فقیهان ابتدا در

۱- تعبیر خاتم المجتهدین در اجازات پیش از محقق کرکی هم به کار رفته اما به نظر می رسد که در دوره صفویه این تعبیر، طنینی سیاسی نیز به همراه خود داشته است. برای برخی موارد کاربرد این اصطلاح در اجازات پیش از صفویه بنگرید به: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار (بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۳/۱۴۰۳)، ج ۱۰۴، ص ۱۸۱. درباره اهمیت این اصطلاح در دوره صفویه نیز بنگرید به:

Said Amir Arjomand, "Two decrees of Shah Tahmasp concerning statecraft and the authority of Shaykh 'Ali al-Karaki," translated and edited by Said Amir Arjomand, *Authority and political culture in Shi'ism*, Ed. Said Amir Arjomand (Albany: State University of New York Press, ۱۹۸۸), pp.۲۵۰-۲۶۲.

مقام فهم دین است که پس از نهادینه شدن این مطلب شاهد شکل گیری اقتدار سیاسی فقیهان هستیم. نکته مهم این است که تحولات اساساً چه بوده اند و فقه شیعه در اثر این تحولات چه تغییری کرده است؟ شاید این پرسش در نگاه نخست، سؤالی فقهی تلقی شود که در واقع چنین نیز هست، اما نمی توان بدون توجه به این پرسش و پاسخی که به آن داده می شود تحولات رخ داده در فقه سیاسی فقیهان شیعه و حتی شکل گیری جریان اخباری گری را در عصر صفویه درک نمود. برخی از تحولات فقه شیعه تحت تأثیر ارتباطات مختلف جامعه امامیه با فقه اهل سنت و خاصه فقه شافعی صورت گرفته است. همانگونه که در عصر شیخ طوسی، برخی تحولات در فقه و اصول، تحت تأثیر فقه اهل سنت و با الگوبرداری از آن، خاصه فقه شافعی صورت پذیرفت، علامه حلی نیز خود در تفریع فروع و برخی ابواب فقه، خاصه معاملات به الگو برداری گسترده ای از فقه اهل سنت پرداخت.^۱ شهید اول نیز کتاب بسیار مهم *القواعد و الفوائد* را با بهره گیری از برخی آثار اهل سنت به رشته تحریر درآورد که اهمیت آن در رسمیت بخشیدن به قواعد کلی اصول فقه و استنباط احکام در فقه شیعه بسیار مهم است.^۲ در حقیقت تحول رخ داده در ساحت فهم معرفتی فقه، در

۱ - ناصر کاتوزیان اشاره ای بسیار کوتاه به بهره گیری علامه حلی از متون فقهی اهل سنت کرده و گفته است که: «از بین فقه‌های اهل تسنن من با مغنی (ابن قدامه) بسیار نزدیک هستم و عقایدش را مرتباً مرور می کنم، زیرا همین عقاید الهام بخش کتابهای علامه حلی هم بوده و به روایتی، کتابهای علامه از آن اقتباس شده و گاهی اوقات بعینه می بینید که شاید علامه چندین سطر را از ابن قدامه گرفته و فتاوی خودش را به آن افزوده است». مجموعه مؤلفین، *زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر ناصر کاتوزیان* (تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴ش)، ص ۵۹-۶۰. هر چند کاتوزیان اشاره ای به کتاب مورد نظر خود نکرده، احتمالاً مقصود وی کتاب *تذکره الفقهاء* باشد. روش اصلی در نگارش کتاب در دانش خلافت این گونه بوده که متنی متداول را تلخیص و حاشیه می زده اند. با این حال به نظر می رسد که متنی که علامه حلی از آن بهره گرفته یا کتاب خود را بر اساس آن تألیف کرده، المغنی نباشد. شاید ارتباطی با کتاب *الوجیز رافعی* داشته باشد که در هر حال این موضوع نیازمند بررسی بیشتر است.

۲ - برای بحث از کتاب و آثاری که شهید اول در نگارش کتاب *القواعد و الفوائد* از آنها بهره برده است بنگرید به: محمود ملکی تراکمه ای، «کتابشناسی توصیفی - تحلیلی القواعد و الفوائد»، مجموعه مقالات کنگره بین المللی شهیدین

تداوم روند تشخیص بخشیدن مستقل به دانش فقه و فقیه به عنوان حامل آن است. تحول دانش فقه و تشخیص یافتن مستقل آن به عنوان دانشی مستقل یکی از کلیدی ترین مسایل در فهم تحول معرفتی فقه است. این تغییرات که در نهایت در عصر محقق کرکی (متوفی ۹۴۰) و شهید ثانی (متوفی ۹۶۵) به اوج خود می رسد، تلاش هدفمندی است برای نهادینه کردن و تشخیص بخشیدن به ساختار فقه که اهمیت بسیار اساسی در تحول معرفتی فقه شیعه دارد، خاصه آنکه این گفتمان بعدها در سنت شیعه غالب شده و رسمیت می یابد. هر چند نباید منکر اهمیت اعلان تشیع از سوی صفویه شد، اما تحولات رخ داده در فقه امامیه حاصل جریانی تاریخی بوده و حتی اگر دولت صفویه نیز شکل نمی گرفت این تحولات در جریان بوده است و اساساً در جریان بوده هر چند دولت صفویه را باید تسریع گر تحولات رخ داده و تثبیت کننده آن دانست.

۱-۲ سؤالات

- ۱) روند شکل گیری نظام مرجعیت چه ارتباطی با تحولات فقه امامیه تا دوره شهید ثانی داشته است؟
- ۲) مکتب فقهی جبل عامل چه جایگاهی در دگرگونی های دوران گذار فقه سیاسی شیعه داشته است؟
- ۳) شکل گیری دولت صفویه، چه پیامدهای در تحولات فقه سیاسی شیعه داشته است؟

۱-۳ فرضیه ها

- ۱) تحولات فقه شیعه با تغییرات درونی نظام مرجعیت ارتباط داشته است.
- ۲) مکتب فقهی جبل عامل نقطه عطفی در افزایش اقتدار مذهبی فقهای شیعه بوده است.
- ۳) سازمان یابی نسبی نظام مرجعیت فراگیر یکی از پیامدهای تشکیل دولت صفویه در مذهب شیعه بوده است.

(فقه و اصول) (قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸ش)، ص ۳۷۹-۴۱۶. با این حال منبع یا منابع شهید هنوز نیازمند بحث دقیقتری است.

۴-۱ نقد و بررسی منابع

۵-۱ الف: منابع فقهی

بسیاری از منابع تحقیق حاضر، نگاشته و رساله های فقهی است. در دسترس نبودن بسیاری از متون فقهی شیعه که تنها در سالیان اخیر برخی از آنها منتشر شده، عموم پژوهشگران را از بررسی دقیق تحولات رخ داده در فقه شیعه و شناخت مراحل مختلف بازداشته است، با این حال اکنون بسیاری از این منابع منتشر شده است و می توان از آنها بهره جست.^۱ هر چند در خصوص بهره گیری از این گونه متون توجه به برخی نکات اساسی است. نخست آنکه آثار فقهی را سوای اهمیت فقهی، نباید فراموش نمود که آن آثار گونه ای ادبی را تشکیل می دهند. از این رو شناخت شیوه های نگارش و زبان این گونه آثار بسیار ضروری است. به دیگر سخن آنچه درباره این متون لازم است مورد توجه قرار گیرد، ارتباط آنها با یکدیگر و حتی در مواردی ارتباط آنها با متون مشابه در مکتب های فقهی دیگر و خصوصاً درباره فقه امامیه، ارتباط آن با فقه شافعی است.

مشخص است که بسیاری از فقیهان امامی در مکتب فقهی شافعی تحصیل کرده اند و در هنگام نگارش آثار فقهی خود چشمداشتی نیز به نگاشته ای فقهی شافعیان داشته و گاه از آنها الگو برداری نیز کرده اند. این مسأله در حقیقت به سنت نگارش در سده های میانه باز می گردد که ویژگی ها خاص خود را داشت یعنی متداول بودن الگو برداری تا آن حد که حتی برای نگارش، نویسندگان مجاز بودند تا با تغییر دادن متنی کهنتر، اثری نو بنگارند. اما با وجود چنین تمایلی خود نویسندگان بر عدم اشاره صریح به چنین عملی بوده است و بیشتر تمایل داشتند تا اثر و کار خود را، امری نو و اصیل جلوه دهند از این رو از ارجاع دهی به اثر یا آثار مورد استفاده و معرفی منابع

۱ - در بیشتر تحقیقات انجام شده درباره تاریخ تشیع در این دوره، بی توجهی به متون فقهی کهنتر باعث شده تا برخی نظرات فقهی که در سنت شیعه حتی تداول داشته و عمل طائفه بر اساس آن بوده، به دلیل بی توجهی به عنوان ابداعات فقهی متأخرتر نسبت داده شود. این مشکل بیشتر به دلیل در دسترس نبودن بسیاری از آثار فقهی بوده است.

نگارش خود عموماً خودداری می کرده اند.^۱ درباره شیخ طوسی دانسته است که دو کتاب مهم خود یعنی *الخلافة و المبسوط* را با بهره گیری از متنی سنی نگاشته است هر چند تا به حال امکان شناسایی متن یا متون اصلی مورد استفاده شیخ طوسی در نگارش دو اثر مذکور میسر نشده یا توجهی به آن نشده است. این شیوه را محقق حلی و علامه حلی نیز به نحو گسترده ای در نگارش آثار خود مورد استفاده قرار داده اند و آثاری پدید آورده اند که نسل بعدی فقیهان امامیه را از تکرار چنین شیوه ای تقریباً بی نیاز کرد و فقیهان امامی پس از محقق حلی و علامه حلی، بیشتر وقت خود را متمرکز بر نگارش شروحاتی بر آثار این دو فقیه، خاصه محقق حلی و نگاشته های او همچون *شرائع الاسلام، المختصر النافع* کرده اند، که بسیاری از این شروح هنوز به صورت خطی هستند اما

۱ - درباره سنت نگارش و تألیف در قرون میانه بنگرید به:

Franz Rosenthal, *The Technique and Approach of Muslim Scholarship* (Rome: Pontificium Institutum Biblicum, ۱۹۴۷), ۴۱-۴۰.

فرانتز روزنتال، *مناهج العلماء المسلمین فی البحث العلمی*، ترجمه انیس فریحه، مراجعه و لید عرفات (بیروت، دار الثقافة، ۱۹۸۳)، ص ۱۰۲-۱۰۸. شیوه الگو برداری گاه به حدی است که مؤلف اثر دیگری را گاه تنها با برخی تغییرات بسیار اندک به نام خود منتشر می کرده است، که نمونه بسیار مشهور این عمل کتاب *الاحکام السلطانیة* ماوردی و ابن فراء حنبلی است. محمد جاسم الحدیثی، که خود تصحیح جدیدی از کتاب *الاحکام السلطانیة* ماوردی ارائه کرده، در بحث بلندی نشان داده که اصالت با کتاب ماوردی بوده و تحریر فراء، مبتنی بر کتاب اوست. بنگرید به: همو، «العلاقة بین کتاب الاحکام السلطانیة للماوردی و کتاب الاحکام السلطانیة للفراء، *مجلة المجمع العلمی العراقی*، المجلد ۴۴، الجزء الثاني (بغداد، ۱۹۹۷/۱۴۱۸)، ص ۲۹۶-۳۳۸. زابینه اشمیتکه نمونه ای دیگر از اخذ و اقتباس بدون تصریح به نام منبع، در سنت امامیه را در مقاله ای جداگانه بررسی کرده است. وی نشان داده که ابن ابی الجمهور احسائی در کتاب *المجلی*، از کتاب *الشجرة الالهیة* شمس الدین شهرزوری بدون اشاره صریح به نام او به نحو گسترده ای نقل قول کرده است. بنگرید به:

Sabine Schmidtke "The Influence of Šams al-Dīn Šahrazūrī (۷th/۱۳th century) on Ibn Abī Jumhūr al-A-sāfī (d. after ۹۰۴/۱۴۹۹)." in: *Encounters of Words and Texts: Intercultural Studies in Honor of Stefan Wild on the Occasion of His ۶۰th Birthday. Presented by His Pupils in Bonn*, Eds. Lutz Edzard & Christian Szyska. Hildesheim: Olms, ۱۹۹۷, pp. ۲۳-۳۲.

برخی از مهمترین آنها منتشر شده است که در تحقیق حاضر از آنها بهره گرفته شده است. فقیهان پس از مکتب حله که سعی در بسط تغییرات داشتند، برای انجام خواسته خود مجبور به اخذ برخی وجوه فقه شافعی و البته تطبیق دادن آنها با فقه شیعه بوده اند. از حیث محتوی شهید اول با نگارش کتاب قواعد مهمترین فقهی پس از مکتب حله است که راه را برای بسط فقه امامیه، با نگارش کتاب قواعد که در آن از شیوه کلی استنباط احکام سخن می رود، سخن گفته که پیشتر به آن اشاره کردیم. پس از وی شاگردش فاضل مقداد سیوری با تهذیب کتاب وی، دانش قواعد نگاری و نگارش را با کتاب *نضد القواعد* در میان امامیه، دنبال نمود. از حیث صوری پس از شهید و مکتب وی، محقق کرکی و شهید ثانی به عنوان دو فقهی که تحولات مهمی در سبک نگارش فقه امامیه پدید آورده اند، اهمیت فراوانی دارند. آثار محقق کرکی همچون کتاب *جامع المقاصد* که شرحی بر کتاب *قواعد الاحکام* علامه حلی است و آثار مختلف شهید ثانی همچون *ارشاد الازهان*، *مسالك الافهام* را می توان مهمترین آثار فقهی امامیه دانست که نشانگر تحول سبک نگارشی فقه امامیه است.

مهمترین نگاهشته شهید از این حیث، رساله ای است که درباره وجوب تعیینی نماز جمعه که در غره ربیع الاول ۹۶۲ نگاهشته است که بعدها یکی از مهمترین مناظرات در عصر صفویه در خصوص نماز جمعه بر مبنای این رساله پدید آمده است. این رساله را می توان تنها رساله شهید ثانی دانست که به صورت بسیار تلویحی به صفویه اشاره کرده است. اهمیت این رساله همچنین نمونه ای دیگر و مهم از مسأله اقتدار معرفتی در حیطه فهم دین و نقش و اهمیت مجتهد در مقام نظریات جدید و اقتدار فقهی فقیهان است. در این رساله شهید ثانی برای نخستین بار از وجوب تعیینی نماز جمعه در تاریخ فقه شیعه سخن گفته است. همچنین شهید ثانی اثری به نام *كشف الریبه عن احکام الغیبه* دارد. این رساله بر خلاف فحوای ظاهری آن که تنها به نظر می رسد اثری در دانش اخلاق و موضوع غیبت است، به نوعی تلاش شهید ثانی در مقام تثبیت مرجعیت خود و پاسخ دهی به منتقدان اوست خاصه به دلیل نقد جدی برخی از نظرات فقهی محقق کرکی توسط شهید ثانی. در حقیقت اقتدار محقق کرکی هم از حیث جایگاه بلندی که وی در دولت صفویه به دست آورده بود، نگاهشته های فقهی او و نظراتش در دوره نخست صفویه برتری کامل داشت هر چند به مرور علیرغم باقی